

پقلم آقای حاجی حسین آقامحمدجوانی

مسجد کبود تبریز یا عمارت مظفریه

یکی از آثار و ابنیه عالی و با عظمت ایران مسجد کبود تبریز است که از یادگارهای قرن نهم هجری است نمونه بارزی از صنایع استادان و صنعتگران ماهر و آثار معماران هنرمند ایرانی بشمار است بسیار مایه تائف است که از این بنای عالی و زیبا که وقتی از عمارت باشکوه و مجلل تبریز بود اکنون جز چندین در و دیوار شکسته و پاشیده دیگر چیزی باقی نمانده است لیکن (از نقش و نگار در و دیوار شکسته آثار پدید است صناید عجم را) نام این مسجد بهتر کی (گوی مسجد) و بفارسی مسجد کبود است مسجد جهانشاه نیز میگویند لیکن در سابق (مسجد و عمارت مظفریه) نام داشت دلیل واضح بر عمارت مظفریه بودن این بنا هم‌اکنون طاق درگاه است که (العمارۃ المبارکة المظفریة) اکنون نیز پیدا است بانی این مسجد میرزا جهانشاه بن قرایوسف ترکمن است که سومین پادشاه از سلاطین طایفه قراقوینلو است از طایفه قراقوینلو چهار تن در ایران سلطنت کردند و مدت حکومتشان شصت و سه سال

بود اول ایشان قرا یوسف بن قرامحمد یورمنشی بن بیرام خواجه‌تر کمانست که در سنّه هشتصد و بیست سه قمری در گذشته در تاریخ وفاتش بعضی از ادباء عصر این بیت را گفته است :

وفات میر یوسف شاه تبریز (کتابت) شد بتاریخ کتابت

۸۲۷

دوم اسکندر بن قرا یوسف است که در سنّه هشتصد و چهل و یک قتل رسیده سوم میرزا جهانشاه بن قرا یوسف است که در سنّه هشتصد و سی و نه قمری با متابعت شاهرخ بن امیر تیمور در آذربایجان و نواحی شمالغرب ایران با قدرت و تسلط تمام حکومت کرده سپس عراق و خواره سان را نیز فتح نمود در اوآخر سلطنت وی پسرانش حسنعلی و پیربوداق باگی شده بر علیه پدر علم عصیان برآفرانش از توسعه حکومت و کشور - گشائی وی مانع شدند در سنّه هشتصد و هفتاد دو قمری میرزا جهانشاه بقصد دفع حسن یک (۱) حاکم دیار بکر رفته کاری از پیش نبرده و مراجعت نمود سواران حسن یک تعقیب نموده وی را با چند تن از پسران و همراهانش کشتند جسد او را به تبریز نقل و در عمارت مظفریه همین مسجد کبود که خود ساخته بود دفن کردند عمرش هفتاد و دو سال و مدت سلطنتش سی و سه سال واندی بود در تاریخ وفاتش بعضی از شعر آن عصر این قطعه را گفته است :

اردوی جهانشاه بهادر نویان
با آنمه اسباب و زبردستی وبشت
نانی عشر ماه دیسمبر الثاني
ویران شد وتاریخ (حسن یک بکشتن)

۸۲۸

(۱) حسن یک بن علی یک بن عثمان یک بن قتلخ یک همان اوذون حسن است که سر سلسله طاینه آق قویونلو است مدت سلطنتش ۸۲۶ - ۸۸۲ و نظر به بلندی قامت وی اوذون حسن بیکفتند (اوذون) در ترکی به معنی بلند است

چهارم از طایفهٔ قراقوینلو حسنعلی بن جهانشاه است که پس از یکسال سلطنت و حکمرانی در گذشته و سلسلهٔ قراقوینلو با هر کویی با آخر رسیده. میرزا جهانشاه از مشاهیر سلسلهٔ قراقوینلو است مرد شجاع و دلیر و ادیب دانشمندی بوده صاحب سيف و قلم بود از شعر و شاعری بهرهٔ زیادی داشت در شعر حقیقی تخلص می‌کرد نوشته‌اند وقتی دیوان اشعار خود را بنظر ملاحظهٔ حضرت عبدالرحمن جامی فرستاد جامی در تعریف و توصیف اشعار وی این ایات را نوشت:

رسید از گهرهای تحقیق پر ز اسرار صوری و هم‌عنوی ز فیض ابد را بود منبعی فروغ تباشير صبح ازل ز شاه حقیقی نشان داده باز فرزندش پیر بوداق وقتی بر علیه پدر عصیان نمود قلعهٔ بغداد را تصرف و با پدر مصاف کرد جهانشاه این قطعه را از راه نصیحت به - پرسش فرستاد:	همایون کتابی چو در جی ز در در او هم غزل در ج هم مشتوى ز مقطع چگویم که هر مقطعی شده طالع از مطلع هر غزل بصورت پرستان سیوی مجاز ایخلف از راه مخالف بتاب شاه منم ملک و خلافت مراست غصب مکن منصب پیشین ما ای پس از چه بشهی در خوری ایخغ مکش تانشوی شرمسار با چو منی ایخغ فشانی مکن گرچه جوانی تو فرزانگیست گر سپهم پا بر کاب آورند خاک بجنبد چو بجنسم ز جای
--	--

ایخغ یغ‌مکن که منم آفتاپ
تو خلفی از تو خلافت خطا است
غصب روای نیست در آین ما
با پدر خویش مکن سروری
شرم هفت نیست ز خود شرمدار
دولت من پید و جوانی مکن
این چه جوانیست که دیوانگیست
ریسک بیابان بحساب آورند
چرخ نخیزد چو نخیزم بای

ایخلف از راه مخالف بتاب
شاه منم ملک و خلافت مراست
غصب مکن منصب پیشین ما
ای پس از چه بشهی در خوری
ایخغ مکش تانشوی شرمسار
با چو منی ایخغ فشانی مکن
گرچه جوانی تو فرزانگیست
گر سپهم پا بر کاب آورند
خاک بجنبد چو بجنسم ز جای

پیر بوداق نصیحت پدر را قبول نکرده و دست از جنگ بر نداشت و در جواب پدر این قطعه را نوشه فرستاد تا اینکه در سنّه هشتاد و دهستاد به تدبیر جهانشاه بدست برادرش محمدی کشته شد :

ای دل و دولت بلقای تو شاد
تبغ مسکش بر رخ فرزند خوبیش
خرد نیم طفل که دیدی نخست
شرط ادب نیست مر احفل خواند
شاخ کهون عملت بستان بسود
هر دو جوانیم من و بخت من
لشگر من نیست کم از لشگرت
با چو منت بهر تمنای ملک
بخته ای آخر دم خای مزن
قلعه بگداد به من شد تمام
پایه من کیست که جوید دلیر
چون تو طلب میکنی از من سریر

من ندهم گر تو توانی بگیر(۱)

بالجمله مسجد کبود یا عمارت مظفریه یکی از آثار بر جسته و یادگارهای خسته آن پادشاه است که ذوق صنعت دوستی و عشق عمران آبادی آن پادشاه دانشمند را حکایت میکند با کمال تاسف باید گفت که این بنای عالی در انقلابات روزگار و زلزله‌های بیشمار که در تبریز واقع شده گرد و مناره‌های آن فرو ریخته و با خاک یکسان شده درگاه عالی و طاق بی نظیر و بلندش اگرچه شکسته هنوز با آن عظمت خود پا است لیکن قسمت‌های هم از سر درب و اطراف شکسته و ریخته با همه این :

(بدین شکستگی ارزد بصد هزار درست)

(۱) ابن ائمار از پک جنگ قدیمی بدست آمده

کتیبه‌ها و نوشته‌هایی با خط ثلث بسیار عالی در اعلب در و دیوار مسجد با کاشی مفرق مسطور است در یکی از حاشیه‌های دیوار سوره حمد با کاشی بسیار عالی نوشته شده بسم الله الرحمن الرحيم را بلا انفصالت با خط ثلث عالی با کاشی نوشته پس از اتمام سوره حمد این آیه شریفه را متصل به حاشیه کاشی بری نموده الحمد لله الذي خلق السموات والارض و جعل الظلمات والنور و الذين كفروا الى آخر و این اسماء الله ثلاثة در بسیاری از طاق دیوار های مسجد مکرر با کاشی نوشته شده یا وتر یا دائم یا فرد همچنین بخط ثلث عالی در اغلب دیوارها و گوشه طاقها این اسماء نوشته شده یا حد یا صمد یا عزیز یا خلاق یا وهاب یا ساقی یا کافی یا باقی یا محب یا قرب یا تواب در جلو دوی در گاه که داخل مسجد می‌شود طرف دست چپ در دیوار طاق بارتفاع چهار متر در لوحی از کاشی بخط خیلی عالی این مصراع نوشته شده (کردار بسیار و گرد گفتار مکرر) و بهمان طرز در طرف مقابل آن مصراع دیگر نوشته شده (چون کرده شود کار بگوید که کرد) کتیبه سر درب مسجد با خط ثلث بسیار عالی از کاشی سفید که متن آن آبی رنگ است چین مسطور است مقداری از اول (افتاده) السلطان الاعظم المطاع الخاقان الاعلام السلام (افتاده) اب‌الخلاف (سلطان جهانشاه) بن شاه یوسف نویان رفع الله العلی الاعلی بدرام خلافته لواء الدين (افتاده) الافاصله هیراته هبانی العلک و دعائیم قباب الحق المبين آهین در حاشیه طاق در گاه مشرف بخیابان طرف راست مسطور است بسم الله الرحمن الرحيم انها يعمر مساجد الله من آمن بالله و ایوم الآخر و اقام الصلاة و آتی الزکوة ولم يخش الالله (افتاده) ان یکونوا من المهددين (افتاده) بالای در گاه قسمت فوتوانی تمام ریخته و از بین رفته در حاشیه طرف چپ مشرف بخیابان نیز مقداری از اول ریخته بقب المبعن والصلاوة علی نبیه محمد و صحبه (افتاده) العمارة المباركة المغفاریه فی رابع ریع الاول من سنة سبعین و ثمانعائمه اقل العباد نعمۃ الله ابن محمد الباب خوشبختانه قسمت تاریخ بنا کاملا سالم و بی خطر مانده است سبک معماری

و کاش کاری مفرق و نقوش هندی شکل این بنا و مرمرهای ضخیم و موجودار آن در هیچ یک از بناهای دوره صفویه یا قبل از آن دیده نشده و ابداً مثل و مانندی ندارد کاشیهای معرق آن بتصدیق اهل خبره بر اتاب از کاشیهای مساجد دوره صفویه در اصفهان عالی‌تر است حتی کاشیهای این مسجد از کاشیهای مسجد گوهرشاد آقا^(۲) در مشهد مقدس رضوی با اینکه در یک عصر و زدیک بزمان یکدیگر ساخته شده بهتر و عالی‌تر است فرقی که هست اینست مسجد گوهرشاد مشهد سالم و بی‌عیب مانده لیکن مسجد کبود تبریز بکلی خراب و منهدم شده مرحوم میرزا محمدعلی خان تریت در زمان ریاست خود در شهرداری تبریز در سال‌های هزار و سیصد و هفت و یصد و هشت هجری شمسی یعنی قریب بیست سال پیش مختصراً اصلاح و تعمیری در مسجد بعمل آورده تخته سنگهای مرمر مسجد را که اغلب افتاده و شکسته در زیر خروارها خاک پنهان بود در آورده به جای خود نصب نمود و رفت و رویی از زباله و خاکروبهای داخل مسجد کرد و در بعضی قسمتهای دیوار و محوطه‌های بنا نمود که از انهدام بقیه آن جلوگیری شود آیا بهتر نیست که در اینورد به آربائیها تأسی کرده و آثار باستانی خود را حفظ کنیم موزه‌های اروپا اغلب از آثار و صنایع ظریفه باستانی ایران و مشرق زمین پر است با چه سلیقه و اسلامی آنها در محفظه‌ها نگاه داشته و چه شرحها و تاریخها بر آنها نگاشته‌اند افسوس که ماخودمان قدر و قیمت این همه ذخایر گران‌بهارا نمیدانیم از قرار یکه بعضی از مورخین نوشته‌است این عمارت مظفریه منحصر به مسجد نبود بلکه عمارت و ساختمانها و تفرعات زیادی نیز از خانقه و ملعقات وزوايا و صحن و

(۲) گوهرشاد آغابانی مسجد معروف مشهد خواهر همین قرایوسف بدر جهان شاه است که زوجه میرزا شاهرخ بن امیر تیمور بود

رواق و حوضخانه جزء این مسجد بوده است. و بعضی از سیاحان و مورخین نوشتند که صالحه خاتون دختر جهانشاه بانی این عمارت بوده است به باامر جهانشاه بنا نموده بعد از فوت جهانشاه از سلاطین آق قوپنلو یعقوب یک بن حسن یک بعضی قسم های عمارت مظفریه را تعمیر و تکمیل نموده در تائید این تریست نیز در دانشنامه نوشته که کتابه خاقانه آن را قاضی حسین میبدی مشهور با چشم خود دیده و تماشا کرده است و در مجموعه منشات خود چنین نقل کرده است (اتفاق تمهید هذالسقف و تشید هذالبیت المطبوع فی ایام السلطان الاعظم الاعدل الخاقان الاکرم الاکمل باسط بساط الامن علی البریه فاسم سهام الفضل علی السویه ناصب لواء القریۃ البیضا رافع بناء طریقة الزهراء التو کل علی المஹمن الزرحم ابی المظفر یعقوب بهادرخان ابدالله تعالیٰ ملکه و اجری فی بحر التوفیق فلکه و ما هنی الاختة من حسنات الصدومه العظیمی المصوّمة البخیی الدوسمه بکمال الاحسان الغاتون صالحه بنت الخاقان المطاعم الفارس الشجاع المتبیز عن الاشیاء السلطان جهانشاه و در جای دیگر نوشتہ جلال الدین دوانی که از فوجول علماء دانشنامه ایران است در آن میان در تبریز تشریف داشته و شواکل العور فی شرح هیا کل النور را که در یکی از زوایای آن عمارت تالیف نموده در آخر آن چنین نوشتہ است قد نیز تحریر میین مؤلفه بعد المشاه الآخر من ليلة الخميس الحادی عشر من شوال ختم بالخير والاقبال لسنة اثنین و سیمین و تیسعانکه للسجوریه بدارالموحدین تبریز فی الزاوية العبارکة المظفریه شکر الله سعی باینها السلطان این المظفر جهانشاه و وفع درجه مفق العلیین و کان نهضته الى جانب دیار بکر فی اوائل هنیه السنة و وقع هجوم الاعداء علیه و اعتیاله فی الثالث عشر من ربیع الاول للسنة المذکورة

از مورخین و سیاحان اروپائی و ایرانی نیز هر کدام که این مسجد را دیده اند در تالیفات و سیاحتنامه هایی بخود از جمله شکرمه و جلال

این بنای زیبا و سبک معماری و کاشیکاری آن که هر یتنده را مبهوت و متوجه ماخته تعریف و توصیف زیاد نوشته‌اند از جمله آنها مسیو تاورنیه فرانسوی است که در سنۀ هزار و چهل و شش هجری مسافرت با ایران نموده در سیاحت‌نامه خود راجع به مسجد کبود تحقیقات کاملی نموده که چون خالی از فایده نبود در تکمیل این‌مقاله از تحقیقات دقیق ایشان استفاده و از بعضی قسمت‌های مجهوله که سیصد سال قبل بچشم خود دیده شده نوشته می‌شود در اطراف میدان بزرگ تبریز و مجاورت آن بقیه آثار و بناهای عالی دیده می‌شود و چهار پنج مسجد را که در عظمت بنا بی‌نظیر هستند بخرابی واگذارده‌اند یکی از آن مساجد که بهتر و عالی‌تر از سایر مساجد تبریز است در خارج شهر سر راه اصفهان واقع شده ایرانیها آنرا متزود گذاarde مثل معبد کفار در آن نظر می‌کنند زیرا که سینه‌ها یعنی پیروان عمر آنرا بنا کرده‌اند بنای این مسجد بسیار عالی و نمای آن که پنجاه قدم ارتفاع دارد هشت پله از کف زمین معبّر کرسی دارد و از خارج دیوارهای آن همه از کاشی‌اعلی برنکهای مختلف پوشیده شده و از طرف داخل با نقش و نگارهای عالی بسبک معماری اعراب و کلمات بسیار بخط عربی از طلا ولا جورد زینت یافته از دو طرف نمای دو مناره با برج خیلی بلند اما کم قطر ساخته‌اند که در میان آنها راه پله تعییه شده است که بالا می‌روند سطح ظاهر منازه‌ها هم کاشی است و این آجرهای منقش و براق زینت معمولی است که در ایران اینه را بدان می‌آرایند و اغلب بنای مُنتهی می‌شود یک گلوله بشکل عامه که ایرانیها بر سر می‌گذارند و درب مسجد چهار پایه‌شتر عرض ندارد و در وسط یک تخته سنگ سفید شفافی تراشیده شده که بیست چهار پاطول دارد یعنی ارتفاع و دوازده پا عرض آن سنگ است و در میان سطحه آن نمای بزرگ خیلی نمایش دارد و عظیم بظر می‌اید از زامرو مسجد داخل گنبد می‌شود که سه و شش قدم قطر آنست دایره گنبد سه مساوی قطر آن می‌شود.

این گنبد از طرف داخل روی دوازده مجردی بناشده که شانزده مجوذی هم از خارج تکیه گاه آنست و این مجردی‌ها شش پای مرربع حجم آنها است طرف پائین در اطراف یک سکونی از مرمر سفید ساخته شده که زیر آن خالی و خانه خانه است. برای اینکه کفش‌ها را داخل مسجد می‌کنند در آن خانه‌ها می‌گذارند این گنبد از طرف داجل با آجرهای کوچک مرربع از کاشی‌های الوان مختلف گل و بوته‌دار موزاییت شده که در میان آنها به تناسب کلمات عربی گنجانیده و بقدری خوب جفتکاری کرده‌اند که گوینا یک پرده نقاشی است که تمام بامقراض و پر گار ساخته شده است ازین گنبد داخل یک گنبد کوچکتری می‌شود که خیلی قشنگتر از اولی است در قعر آن از سنگ مرمر شفاف سفید یک چیزی ساخته شده که شباهت دارد یک دری که باز نشود (محراب) این گنبد مجردی ندارد اما از ازاره آن بقدر هشت پا ارتفاع از سنگ مرمر سفید است و سنگ‌ها یک عرض و طول دیده می‌شود که مایه تمجب و حیرت است تمام این گنبد از مینای بنشه رنگ است که روی آن اقسام گلهای صاف نقاشی شده سطع خارج هر دو گنبد هم از همان کاشیها مستور ولی نقاشی آنها بر جسته است روی گنبد اولی گلهای سفید روی زمینه سبز و گنبد دومی ستاره‌های سفید روی زمینه سیاه و همه رنگها بی‌اصره لذتو فرح میدهند نزدیک درب مدخل که از گنبد بر رک داخل گنبد کوچک می‌شود طرف دست چپ یک منبری از چوب گردوبدیوار تکیه داده که نجاری آن خیلی اعلی و بالای سر آن سایبانی از همان چوب افراسته و دور محل نشیمن آن از چوب نرده کوچکی ساخته شده و چهارده پله دارد در سمت جنوب مسجد دو تخته سنگ خیلی بزرگ سفید شفاف غیر حاجب ماوراء نصب شده که وقتی آفتاب بر آنها می‌تابد سرخ رنگ می‌شود.

بطوریکه چند لحظه بعد از غروب آفتاب هم میتوان در روشنایی و تلاآلوه آنها مکتوب قرائت کرد اینقسم سنگ آلباتر (سلیمانی) است که در حول و حوش تبریز پیدا میشود چنانکه شرح آن را بعد خواهیم گفت روبروی مسجد هر طرف دیگر معتبر یک کرباس عالی و نمای دیگری ذیده میشود که از یک بنای دیگر باقی مانده و بقیه آن بکلی خراب شده است و اینجا منزل شیخ امام بوده چنی کشیش بزرگ همچنین حمامهای بزرگ داشته که همه خراب شده ولی چند تای آنها که از همه بدترند باقی مانده و در حفظ آنها مراعبت نمینماید.

توضیح :

کاشی معرف باعین بی تقطه بین الناس مشهور و معروف است و همه کس معرف باعین بی تقطه میگویند لیکن بنا تحقیقات فاضل محترم آقای عباس اقبال آشتیانی در مجله (ایران امروز) شماره دهم سال دوم من ۲۶ که معرف را باغی نقطعدار دانسته و با دلایل متفق خود نابت کرده است مانیز با غیر تقطه دار (معرف) نوشتیم به مجله نامبرده بلا رجوع شود .

